

چالش‌های سیاست جنایی تقنینی - قضایی ایران در مقابله با جرایم مخل نظام اقتصادی کشور با تاکید بر آموزه‌های فقهی اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۸

سید علی حسین الحسینی^۱

سعید حکیمی‌ها (نویسنده مسئول)^۲

سیدعلی جبار گلباغی ماسوله^۳

چکیده

جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور علیرغم سابقه طولانی، در دهه‌های اخیر در صدر اخبار رسانه‌ها بوده و مورد توجه حقوقدانان قرار داشته است. با توجه قوانین کشور ما متأثر از فقه اسلامی است و مبنای فقهی - حقوقی در غالب جرایم کیفری مخصوصا در حوزه جرایم اقتصادی مشهود است. بنابراین بررسی تاثیر آموزه‌های فقهی در سیاست جنایی این گونه جرایم امری است که مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش با هدف تبیین کاستی‌ها و خلاءهای موجود در سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با اخلال در نظام اقتصادی کشور و نابسامانی که این سیاست در رویه قضائی ایجاد کرده است، و همچنین بررسی این امر در آموزه‌های فقهی سامان داده شد. روش این مقاله توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد سیاست جنایی ایران در مقابله با این جرایم متفاوت از سایر جرائم بوده و قانونگذار سعی کرده است، روشی سرکوب‌گرایانه در مبارزه با این جرایم را در سرلوحه خود قرار دهد. در عین حال مهم‌ترین چالش‌های سیاست جنایی تقنینی - قضایی ایران در مقابله با اخلال در نظام اقتصادی کشور، تعدد مراجع قانونگذاری، تعدد و پراکندگی قوانین کیفری همسان در این حوزه، وجود ابهام و اجمال در واژه‌ها و عبارات مندرج در قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و در نتیجه تفاسیر و برداشت‌های دوگانه از قوانین موجود در این زمینه شده است مخصوصا وجود اصل ۱۶۷ قانون اساسی و نظرات فقها از چالش‌های دیگری است که محاکم در زمینه جرایم اقتصادی را دچار مشکل کرده است.

واژگان کلیدی: آموزه‌های فقهی، سیاست جنایی تقنینی، اخلال در نظام اقتصادی، جرم اقتصادی، رویه قضایی

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

seyesalihosseinalhosseini@gmail.com

^۲ دانشیار گروه حقوق، دانشگاه امام حسین، تهران، ایران.

hakimiha@yahoo.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

pm.sadra87@gmail.com

اقتصاد بر وضع اجتماعی و فرهنگی جوامع نقش تعیین کننده‌ای در راه توسعه اقتصادی و امنیت روحی و روانی ساکنین جامعه دارد و در واقع نظام ارزشی جوامع نیازمند اقتصاد سازنده و بنیانهای اقتصادی سالم است. و از آنجایی که جرایم اقتصادی لطمات جبران ناپذیری پایه‌های اقتصادی جامعه می‌تواند وارد کند، لذا جوامع مختلف در دوره های مختلف اجتماعی، فکری و سیاسی همیشه تمهیداتی برای این جرایم داشته و دارند، قواعد فقهی و قوانین مقدس اسلامی نیز با تکیه بر اصول اسلام مجرمین اقتصادی را همیشه در طول تاریخ مجازات کرده و قواعد و اصول مشخصی برای جلوگیری از این جرایم دارد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آغاز جنگ تحمیلی و در نتیجه تحریم های شدید اقتصادی، عده ای با سوء استفاده از ثروت و نفوذ سیاسی با اقدامات مجرمانه خود لطمات زیانبار و غیر قابل جبرانی را بر پیکر اقتصادی کشور وارد نمودند. این موضوع قانونگذار را بر آن داشت تا برای اولین بار در تاریخ ۶۹/۹/۲۸ قانونی را تحت عنوان «قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور» به تصویب برساند. ماده یک این قانون در هفت بند (با اصلاحی در تاریخ ۸۴/۱۰/۲۸)، مصادیق جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور را تعیین کرده است. درکنار این قانون، قوانین دیگری مانند قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، مقررات جزایی قانون دیوان محاسبات، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول، قانون مجازات مرتکبین قاچاق، قانون تعزیرات حکومتی، قانون مبارزه با پولشویی، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و در نهایت مواد ۵۸۸ تا ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) با هدف مبارزه با رفتارهایی که ارتکاب آنها موجب اخلال در نظام اقتصادی می‌شود، تصویب شده است. بررسی جرایم مخل نظام اقتصادی کشور از این جهت اهمیت یافته است که علاوه بر آسیب جدی به منافع و نظام اقتصادی کشور، بخش عمده‌ای از مرتکبان این جرایم اشخاص یقه سفید و معنون جامعه هستند که از موقعیت خود بر خلاف منافع اقتصادی کشور و عموم مردم سوء استفاده کرده و موجبات شیوع فساد گسترده و نارضایتی اجتماعی را فراهم نموده اند. لذا یکی از عوامل اصلی عدم پیشگیری و مقابله مؤثر با این گونه جرایم را باید در ضعف سیاست جنایی کارآمد در مقابله با این جرایم جستجو کرد.

در تحولاتی که سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران به منظور مقابله با جرایم مخل نظام اقتصادی داشته است، رویکرد افتراقی داشته و به سمت و سوی ارعابی و سرکوبگری پیش رفته است. به عبارتی دیگر می‌توان گفت که نظام حقوقی ایران در امر مقابله با جرم اخلال در نظام اقتصادی از راهبرد امنیتی و قضایی استفاده کرده است. لیکن به نظر می‌رسد که متولیان امر از عدم کارایی این راهبرد به تنهایی و نادیده انگاشتن عوامل ریشه‌ای بروز این نوع فساد اقتصادی در حد گسترده، غافل بوده‌اند. بنابراین تازمانی که درآمدهای انتظاری ناشی از اقدام به فساد اقتصادی، به دلیل ساختار ناکارآمد اقتصاد سیاسی و دولتی، انگیره قوی برای فساد فراهم می‌کند، اقدام به فساد اقتصادی یک رویه و امر شایع خواهد بود. قطعاً در چنین زمینه‌ی فساد خیزی، اولویت دادن به راهبرد امنیتی و قضایی در مقابله و مبارزه با اخلال اقتصادی، راهبردی پرهزینه، ناکارا و از پیش شکست خورده خواهد بود. در این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که مهمترین چالش های موجود در سیاست جنایی تقنینی ایران در مقابله با اخلال در نظام اقتصادی کشور چیست و رویه قضایی در اینخصوص چه رویکردی داشته است؟

۲- مفهوم و ماهیت جرایم اقتصادی

جرم اقتصادی ناظر به اعمال مخل سیاستها و فعالیتهای اقتصادی است. به عنوان مثال عدم رعایت ضوابط در توزیع خدمات و امکانات دولتی و سوء تخصیص و اجحاف کارمندان و مسئولین دولتی نسبت به بخش خصوصی، فساد اقتصادی محسوب می شود. برخی، جرایم مالی را جزئی از جرایم اقتصادی می دانند، ولی مفهوم جرایم اقتصادی با جرایم مالی از نظر طبیعت یا ماهیت و هدف متفاوت است. در جرایم مالی، مصلحت خزانه دولت مورد تعدی و تجاوز قرار می گیرد و از طرفی ارزش مورد حمایت، اساساً سرمایه و دارایی اشخاص حقوق خصوصی و عمومی است، مانند اختلاس و تدلیس در معاملات دولتی (میرسعیدی، زمانی ۱۳۹۲: ۲۰۱). ولی در جرایم اقتصادی، هدف اولیه و اساسی، حفظ و حمایت از سیستم اقتصادی یعنی ساختارهای مرتبط با تولید، توزیع و مصرف مال و ثروت است. مانند پولشویی و اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور. جرم اقتصادی دارای مفهومی گسترده تر از جرایم کسب و کار است. همین گستردگی موجب شده تا جرایم اقتصادی ویژگی هایی به این شرح داشته باشند: ۱- در قالب تجارت و فعالیت های حرفه ای به طور عمده عاملان به دنبال سود هستند. ۲- به صورت یک مجموعه یا سیستم منسجم و سازمان یافته رفتار می کنند. ۳- باید با استفاده از فعالیت های تجاری، صنعتی و فنی، قانونی و حرفه ای صورت بگیرد. ۴- مرتکبین به طور کلی و نه الزاماً از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی یا هر دو برخوردارند. (Rico Jose, ۲۰۱۲: ۲۱)

جرایم اقتصادی نه تنها نظام اقتصادی، بلکه تمام سطوح نظام اجتماعی را دچار چالش می کند و لذا این دسته از جرایم باید با سیاست جنایی جامعی کنترل شوند. فضای اقتصادی ایران هم، به دلیل ابتلا به آسیب های متعدد، نسبت به نظام های اقتصادی پیشرفته زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می کند. (حسنی، مهر ۱۳۹۴: ۴۵) ارتباط و نزدیکی جرم اقتصادی با فساد مالی، فساد اقتصادی، جرم تجاری یا بازرگانی، به گونه ای است که در برخی موارد هم پوشانی دارند. در مقایسه فساد مالی با جرم اقتصادی می توان گفت که فساد مالی با سوءاستفاده از قدرت تفویض شده در جهت منافع شخص اعم از اینکه در بخش خصوصی باشد یا دولتی، ویژگی مرتکب جرم (صاحبان قدرت و مستخدمین دولتی یا وابسته به دولت) در آن موضوعیت دارد، ولی مرتکب جرایم اقتصادی می تواند هر فردی از اعضای جامعه اعم از کارکنان دولت یا دیگر طبقات اجتماعی باشد. لذا ارتکاب جرایم فساد مالی که صرفاً اعتماد مردم به کارگزاران دولتی را مخدوش می کند بدون اینکه مؤثر در فعالیت های اقتصادی باشد، نمی تواند مصداق جرم اقتصادی باشد. فساد اقتصادی نیز به خودی خود جرم محسوب نمی شود، بلکه می تواند معیاری برای شناسایی جرم اقتصادی باشد. به عبارت بهتر، فساد اقتصادی رفتاری است که بنیان اقتصادی کشور را مورد تهدید قرار می دهد و موجب اخلال در نظام اقتصادی می شود درحالی که جرم اقتصادی ناظر به اعمال مخل به سیاستها و فعالیت های اقتصادی است. (میرسعیدی، زمانی ۱۳۹۲: ۱۶۸)

۲-۱- جرایم اقتصادی در فقه

اسلام مکتبی انسان ساز است. و دارای حیات مادی و معنوی است. حیات مادی انسان، نیازمند نظام اقتصادی صحیح است و از آنجایی که نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر آموزه های الهی است. نگرش و دیدگاه فقهی به این جرایم بسیار دقیق و در خور توجه است زیرا عدم توجه به نظام سازی اقتصادی نه تنها حیات دنیوی انسان را به

مخاطره خواهد انداخت، بلکه حیات معنوی او را نیز تحت تأثیر منفی خود قرار خواهد داد. (مهدوی و همکاران ۱۳۹۶، ۱۱۲) چنان که خداوند در قرآن می فرماید: «و اموال یکدیگر را میان خود به باطل مخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، آن را به حاکمان می کشانید در حالی که شما (حقیقت را) می دانید (سوره بقره/آیه ۱۸۸).

اگر چه مبانی حقوقی ما در ایران برگرفته از مبانی فقه است اما جرایم اقتصادی در فقه، مانند جرایم اقتصادی جوامع بین الملل و حقوق ایران به زبان امروزی شاید عنوان نشده است اما جرایمی مانند پولشویی به طور خاص اسمی در فقه و به تبع آن در قانون ایران ذکر نشده است ولی از آنجا که این جرایم تحت مستندات فقهی عامی چون «حرمت اکل مال به باطل؛ حرمت تعاون بر اثم؛ حرام بودن مقدمه حرام؛ قاعده سد ذرایع؛ تجری» (گرگی، ۱۳۸۳، ۲۴) نه تنها پذیرش آنها از طرف قانونگذاران منافاتی با حقوق ندارد بلکه می توان از بر اساس فقه اسلامی آن را جزئی از قوانین جزائی اسلامی نامید

مفسران بزرگ اسلامی در مورد «حرمت اکل مال به باطل» چنین بیان می دارند که این آیه عمومیت دارد و تمام تصرفات باطل و ناروا را در بر می گیرد (طباطبایی، بی تا)، (۵۱) منظور از اکل، مطلق تصرفات و تملکات است و منظور از مال هر چیزی اعم از پول و منافع و اسناد مالی را شامل می شود و مراد از باطل، مطلق تصرفات و تملکات حرام و غیر قانونی است مثل سرقت، ربا، قمار، نیرنگ، رشوه، تصرفات عدوانی، سوگند دورغ و غیره می باشد. (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱ و ۲، ۳۰ و ۲۹۳)

غیر از مستندات قرآنی. آیات صریح قرآن این قواعد فقهی در مبارزه با جرایم اقتصادی مستندات روایی فراوانی در زمینه پولشویی نیز در اسلام و قواعد فقه مشخص و مبرهن است به طور مثال امام علی (علیه السلام) در خطبه ۱۵ نهج البلاغه که در واقع بخشی از خطبه ای است که بعد از بیعت مردم با آن حضرت در مدینه ایراد فرمود بیان داشت: آگاه باشید تمام زمینهایی را که عثمان به این و آن بخشیده و همه اموالی را که از بیت المال داده، همه به بیت المال باز می گردد؛ چرا که هیچ چیز نمی تواند حقوق گذشته را باطل کند. و خطبه فوق ایشان به تمام افرادی که در عصر عثمان اموال بیت المال را غارت کرده بودند یا از طرف خلیفه به آنها اهدا شده بود هشدار می دهد و به آنها اعلام می کند که بلید تمام این اموال را به بیت المال باز گردانند و اگر باز نگردانند با قدرت از آنها خواهد گرفت و به این ترتیب امام (علیه السلام) امید طمع و رزان با این خطابه ها قطع کرده و می فرماید: (به خدا سوگند اگر آن [اموالی که از بیت المال غارت شده و عطایایی که عثمان بی حساب به این و آن بخشیده است] را ببام که کابین زنان شده یا کنیزانی با آن خریده شده باشد [و جزء زندگی افراد شده باشد]، همه را قاطعانه به بیت المال باز می گردانم [و اجازه نمی دهم بی عدالتی سابق در جهان اسلام ادامه یابد]؛

سپس می افزاید: [ممکن است کسانی از این کار که ضامن اجرای عدالت است ناراحت شوند و احساس مضیقه و تنگنا کنند، ولی این اشتباه بزرگی است!] زیرا عدالت مایه گشایش برای جامعه است و آن کس که عدالت برای او موجب مضیقه و تنگنا گردد ظلم و ستم برای او سخت تر و تنگتر است!؛

امام (علیه السلام) در نخستین جمله های این کلام، تصمیم قاطع خود را برای بازگرداندن اموالی که به ظلم از بیت المال گرفته شده است بیان می دارد تا آن جا که اگر این اموال را در مصارف حسّاس و خاصی که مربوط به زندگی خانوادگی افراد است صرف شده باشد، باز هم باید به بیت المال برگردد تا مردم بدانند آنچه قبلا عمل شده قانون

اسلام نبوده و الگو و سرمشقی برای آیندگان نگردد! سپس در ذیل این سخن، این تصمیم قاطع را با منطق و دلیل همراه می سازد و می فرماید: این مصداق روشن عدالت است که مایه شکوفایی جامعه و رضایت عموم مردم و خاموش شدن آتش فتنه هاست.

سرانجام به کسانی که دستهایشان به این اموال آلوده است و تصور می کنند این تصمیم امام (علیه السلام) به زیان آنهاست اندرز می دهد که این کار به نفع خود آنها می باشد؛ زیرا اگر کسی عدالت بر او تنگ باشد ظلم تنگ تر است چرا که عدلت اموال حلال او را به او می دهد و تنها اموال نامشروعش را می گیرد ولی اگر تن به عدلت ندهند و رسم ظلم و جور را زنده کنند، تمام اموالشان به خطر می افتد؛ هم حلالشان و هم حرامشان! درست است که ظلم ممکن است در کوتاه مدت به سود ظالم باشد، ولی بی شک در دراز مدت چنین نخواهد بود و تاریخ نشان داده است که چگونه ظالمان سرانجام گرفتار همان قانونهای ظالمانه ای می شوند که خود ساخته و پرداخته بودند؛ حتی نزدیکترین دوستان و بستگان آنها به آنها خیانت می کنند و در فرصت مناسب از پشت به آنها خنجر می زنند.

قابل توجه این که به گفته «کلبی» (مورخ و مفسر معروف)، طبق نقل «ابن ابی الحدید»، علی (علیه السلام) بعد از ایراد این خطبه دستور داد تمام سلاحهایی که در خانه عثمان برای تهاجم بر مسلمین گردآوری شده بود از آن جا بیرون آورند و همچنین سایر اموال بیت المال را، ولی دستور فرمود متعرض اموال شخصی او (که از طریق مشروع حاصل شده بود) نشوند و نیز فرمان داد تمام اموالی که عثمان به عنوان جایزه و بدون استحقاق به افراد داده بود به بیت المال باز گردانده شود. (بن ابی الحدید، (بی تا) ۲۶۹)

۲-۲- جرائم اقتصادی در حقوق ایران

در قوانین کیفری ایران جرم اقتصادی تعریف نشده است، لکن در حقوق داخلی پاره‌ای از کشورها، گاهی تعریف و گاهی به جای تعریف، مصادیق این جرم بیان شده است. به عنوان مثال، قانون جرایم اقتصادی اردن در ماده ۳ جرایم اقتصادی را اینگونه تعریف می کند: «جرایم اقتصادی جرایمی هستند که احکام این قانون و قوانین مشابه نسبت به آنها اجرا می شود و به اموال عمومی تعلق دارند و موجب ضرر زدن به بنیان اقتصادی کشور یا اعتماد عمومی نسبت به اقتصاد ملی یا پول ملی یا سهام یا اسناد و اوراق مالی رایج در کشور می شوند». این ماده بیش از آنچه که تعریف باشد، ضابطه را بیان کرده است. در تعریفی دیگر، جرایم اقتصادی عبارت‌اند از: «جرایمی که در قوانین مربوط به حمایت از فعالیت های اقتصادی آمده است اعم از اینکه در قانون جرایم اقتصادی پیش بینی شده باشد یا در قوانین متفرقه‌ای که فعالیت های اقتصادی را تنظیم می کند. (زرعت، ۱۳۹۱: ۱۲) رایج ترین تعریفی که از جرم اقتصادی صورت گرفته عبارت است از: «رفتار مجرمانه ای که اشخاص حقیقی و حقوقی به انگیزه تحصیل مزایای اقتصادی مرتکب می شوند». (Sjogren. ۲۰۰۴) از دیدگاه بچر حقوقدان سوئسی، جرم اقتصادی «مجموعه ای از جرایم علیه اموال است که بدون خشونت ولی همراه با تزویر و فریب یا سوءاستفاده از موقعیت، یا قدرت نفوذ و تأثیرگذاری یا با انگیزه کسب منفعت ارتکاب می یابد». باین وصف جرایم اقتصادی فراتر از جرایم یقه سفیدان است، زیرا جرم اقتصادی، جرایم ارتكابی خارج از چارچوب فعالیت حرفه‌ای مبتنی بر تزویر را هم در بر می گیرد. (پیشین: ۱۲۰-۱۲۱) دیوان عالی کشور فرانسه در یک رأی؛ جرم اقتصادی را جرمی دانسته که مربوط به چرخه تولید، توزیع و مصرف است و چون گردش این سه فرایند اقتصادی به وسیله پول صورت

می‌گیرد و عنصر اصلی مبادله در اقتصاد هم پول است لذا در نهایت منجر به اختلال در نظام اقتصادی می‌شود. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۶: ۶) معمولاً وقتی از جرم اقتصادی سخن گفته می‌شود بلافاصله نظرها به جرایم فساد مالی و سازمان یافته معطوف می‌شود. درحالی که همه جرایم فساد مالی، جرم اقتصادی نیستند. اگرچه در اکثر موارد نتایج و عواقب جرایم فساد مالی و جرایم اقتصادی یکسان اند. به علاوه ممکن است یک عمل مجرمانه، هم فساد مالی باشد و هم جرم اقتصادی محسوب شود. (Thiankolu, ۲۰۰۶, ۷) جرایم اقتصادی به طور کلی به دو دسته تقسیم شده اند: اعمال غیرقانونی کسانی که به منظور تحصیل پول برای خودشان مرتکب می‌شوند و اعمال غیرقانونی کسانی که اساساً برای دستیابی به اهداف شرکت خود یا سازمانهای دیگر مرتکب می‌شوند. از طرفی تعریف مشخصی از جرائم اقتصادی در قوانین کیفری ایران وجود ندارد و قاضی نیز نمی‌تواند به اندازه‌ای اختیار داشته باشد که مصادیق جرم اقتصادی را تشخیص دهد، زیرا تبیین ارکان و شرایط تحقق جرائم با قانونگذار است و قاضی تنها پرونده‌ها و مصادیق را با این شرایط تطبیق می‌دهد. (سلطانی فرد، ۱۳۹۷: ۱۵۰)

با توجه به اشکالات و اختلافات موجود در زمینه تعریف جرم اقتصادی، در قوانین و اسناد کاربردی حقوقی برای شناسایی جرایم اقتصادی از روش «تبیین حصری مصادیق» در کنار تعریف مفهومی جرم اقتصادی یا به عنوان روشی مستقل استفاده می‌شود. شورای اروپا نیز طی توصیه نامه شماره ۱۲ - (۸۱) کمیته وزرای شورای اروپا به دولتهای عضو در خصوص جرایم اقتصادی (۲۵ ژوئن ۱۹۸۱) از روش تعریف کلی، عدول کرده و به تبیین مصادیق پرداخته است. وفق ضمیمه این رهنمود جرایم اقتصادی عبارت اند از:

جرایم کارتلی: اقدامات مشتمل بر تقلب و کلاهبرداری، سوءاستفاده از موقعیت توسط شرکت‌های چند ملیتی؛ کسب متقابلانه امتیازها از دولت یا نهادهای بین المللی یا سوء استفاده از آنها؛

جرایم رایانه‌ای (مانند سرقت داده، تجاوز به اسرار، دستکاری داده‌های رایانه‌ای)؛

بنگاههای تقلبی، جرایم جعل و دست کاری ترازنامه های مالی اسناد حسابداری شرکت؛

تقلب مرتبط با موقعیت اقتصادی سرمایه مشترک شرکتهای؛

تجاوز به استانداردهای امنیت سلامت کارگران در شرکت؛

تقلب به منظور آسیب به حقوق بستانکاران (مانند ورشکستگی، تجاوز به حقوق معنوی صنعتی)؛

تقلب نسبت به مصرف کنندگان (به ویژه اظهار کذب گمراه کننده در مورد کالا، جرایم علیه سلامت عمومی، سوء استفاده از ضعف و بی اطلاعی مشتری)؛

رقابت ناعادلانه (مشتمل بر رشاء به یک مستخدم شرکت رقیب) تبلیغات گمراه کننده؛

جرایم مالیاتی گریز از پرداخت هزینه های اجتماعی به وسیله بنگاهها؛

جرایم گمرکی (مانند گریز از پرداخت عوارض گمرکی، نقض محدودیتهای سهمیه‌ای)؛

جرایم مرتبط با مقررات پولی و وجه رایج؛

جرایم بانکی بورسی (مانند مبادله متقابلانه سهام و سوءاستفاده از بی اطلاعی عموم)؛

جرایم علیه محیط زیست (حسینی، مهرا ۱۳۹۴: ۵۳).

صدر ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مربوط به منع شمول مرور زمان نسبت به برخی از جرایم است. ادامه ماده در مقام بیان جرایمی که مشمول مرور زمان نخواهند شد به جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره

ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده که بیش از یک میلیارد ریال باشد اشاره کرده است (بند ب ماده ۳۶ ق.م.ا). عناوین مجرمانه که در تبصره ماده ۳۶ احصاء شده و مطابق بند ب ماده ۱۰۹ به عنوان جرایم اقتصادی قابل شناسایی هستند عبارتند از:

الف - رشاء و ارتشاء، ب - اختلاس، پ - اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، ت - مداخله وزرا، نمایندگان مجلس، کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، ث - تبانی در معاملات دولتی، ج - اخذ پورسانت در معاملات خارجی، چ - تعديات مأموران دولتی نسبت به دولت، ح - جرایم گمرکی، خ - قاچاق کالا و ارز، د - جرایم مالیاتی، ذ - پولشویی، ر - اخلال در نظام اقتصادی کشور، ز - تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی.

چند نکته در روش تبیین جرم اقتصادی در ماده مذکور شایان توجه است: قانون از تعریف کلی جرم اقتصادی اجتناب کرده و از روش تبیین مصداقی همانند روش شورای اروپا استفاده کرده است. این روش قبل از قانون مذکور در بخشنامه رئیس قوه قضاییه در خصوص جرایم کلان اقتصادی نیز به کار گرفته شده بود. بررسی این دو مقررہ نشان می‌دهد که مصداق آنها انطباق کامل ندارند. شکل نگارش ماده به صورتی است که این مصداق، حصری است و مانع اطلاق عنوان جرم اقتصادی به سایر جرایم می‌شود. از این رو سایر رفتارهای محل نظم اقتصادی در صورتی که یکی از مصداق جرایم مذکور نباشد، به هر اندازه که اهمیت داشته باشند، عنوان جرم اقتصادی ندارند و مشمول تشدید های مذکور در قانون جدید مجازات اسلامی نخواهند بود. (حسینی، مهرا، پیشین: ۵۵)

۳- سیاست جنایی تقنینی در مبارزه با جرایم محل نظام اقتصادی با نگاهی بر آموزه‌های فقهی

در نظام اسلامی به کنترل درونی و پیشگیری از وقوع ناهنجاری (اعم از گناه یا جرم) بیش از کنترل بیرونی به اجرای مجازات توسعه شده و گذشته از اصول اعتقادی توحید نبوت و معاد که به خودی خود انگیزه کافی را برای هنجارمندی مومنان فراهم می‌آورد برخی اعمال عبادی نقش بازدارندگی از ارتکا شخص به ناهنجاری‌ها را ایفاء می‌کند (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۳۴) در مبانی دینی اسلام دستورالعمل‌هایی برای پیشگیری از ارتکاب شخص به جرایم و گناهات در نظر گرفته شده که مومب احیای ارزش‌های اخلاقی جامعه پیشگیری از اشتباهات افراد جامعه (به خصوص کارگزاران) از ارتکا به گناه و جرم گردیده است به واسطه همین ویژگی‌ها است که اسلام دین‌رهایی از زشتی‌ها نامیده شده است. (ترکی هرچنگانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۵) اسلام به برای برقراری عدالت و امنیت در جامعه و جلوگیری از وقوع فساد مالی به کنترل درونی اشخاص بسنده نکرده و از اعمال کیفر به عنوان ابزاری در جهت کنترل بیرونی بهره برده است. چنان که علی (ع) خطاب به مالک اشتر فرمودند: هر گاه یکی از کارگزاران دست خود را به انجام جنایتی دراز کرد و گزارشات اشخاص مورد اطمینان تو به صحت وقوع آن گواهی داد کافی است که او را مجازات نمایی و بی مقدار و خوارش گردانی و داغ خیلنت بر او زنی و ننگ بلنامی بر گردنش نهی (نهج البلاغه نامه ۴۱۰) دقت در این سطور و بررسی در قواعد کلی اسلام نشان می‌دهد که پیشگیری از جرم فساد مالی و مجازات مرتکبین این اعمال از اصلاام جزوه ضروریاتی است که در جامعه اسلامی بدان تاکید شده است

با تاکید بر این امر هدف از سیاست جنایی در حقوق اقتصادی، مبارزه با فساد و جرائم اقتصادی است. فساد اقتصادی به متمرکز کردن ثروت‌ها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان غنی و فقیر را افزایش می‌دهد، بلکه برای مرفحان

جامعه، ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعی را تأمین می‌کند. فساد اقتصادی شرایطی را فراهم می‌نماید که در سایه آن، ارتکاب سایر جرائم تسهیل می‌شوند. بدون شک برقراری و حفظ نظم اقتصادی در گرو مبارزه با اخلال‌گران در نظام اقتصادی و مجرمین اقتصادی است. مبارزه با جرائم اقتصادی هم موجب برقراری نظم اقتصادی می‌شود و هم از آثار و تبعات مضر اختلال در اقتصاد کشور جلوگیری می‌کند (کوشا، دهقانی ۱۳۹۶: ۸۶). به عنوان مثال قانونگذار ایران در قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲ برای مرتکبین این گونه جرائم پاسخ‌های کیفری ناچیزی در نظر گرفته بود که نه تنها نوعی پیشگیری کیفری محسوب نمی‌شد و چاره ساز نبود، بلکه ناچیز بودن میزان کیفر، موجب ایجاد انگیزه در گسترش پولشویی می‌شد. وفق ماده ۹ قانون مذکور مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم، مشتمل بر اصل و منافع حاصله به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم، محکوم می‌شوند. (مهدوی پور، ۱۳۹۲: ۶۵). البته مجازات این جرم به موجب قانون اصلاحیه ۱۳۹۷/۷/۳ تحت شرایطی به حبس تعزیری درجه چهار یا پنج و جزای نقدی معادل وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده، تغییر یافت که تا حدودی کاستی‌های قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ را حل کرد. بنابراین تا جایی که مطلوبیت حاصل از فساد بالاتر از جرم باشد، مفسدان در ادامه راهشان مستحکم تر خواهند بود ولی اگر هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم سنگین تر شود احتمال ارتکاب جرم کاهش می‌یابد.

۱-۳- آموزه‌های فقهی حاکم بر قوانین مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور

با توجه به اینکه در ایران یکی از نهادهای فعال در عرصه سیاست گذاری تقنینی مقام رهبری یا ولایت فقیه است در توضیح پیرامون این مسأله باید گفت اگرچه براساس نظام حقوق کیفری ایران مقام رهبری جز در عفو یا تخفیف مجازات محکومین اختیار یا وظیفه‌ای در سیاست جنایی ندارد و با توجه به برابری رهبری در برابر قانون همچون سایر شهروندان خود مطیع قانون اساسی و قوانین عادی بوده و به طور مستقیم نمی‌تواند اقدامی در راستای جرم انگاری یا ایجاد ممنوعیت در قبال رفتار یا رفتارهایی یا تعیین صلاحیت رسیدگی ویژه یا صدور بخشنامه یا مصوبه به بر خلاف قانون کیفری انجام دهد لکن با عنایت به راهکارهای تعیین شده در خصوص شیوه حل اختلاف توای سه گانه و حل معضلات مدی نظام می‌توان نهاد رهبری را نیز به عنوان یکی از نهادهای موثر در سیاست‌گذاری تقنینی در ایران معرفی نمود (ر.ک. بند ۷ و ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی) یکی از این موارد فرمان ۸ ماده‌ای امام ره در دهه ۳۰ برای مبارزه با جرایم اقتصادی بود. در دهه ۶۰ به علت مسائل ناشی از انقلاب و جنگ تحمیلی و بهم ریختگی اقتصادی در کشور، مشکلاتی مانند احتکار، قاچاق کالا و ارز، گرانفروشی شکل گرفت و بر همین اساس قانونی تحت عنوان «قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور» در بیست و هشتم آذر ماه ۱۳۶۹ به تصویب مجلس رسید. این قانون در دو ماده تنظیم شد. در ماده یک این قانون، مصادیق اخلال در نظام اقتصادی کشور به شرح زیر تعیین و برای آنها مجازات در نظر گرفته شده است: اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه تقلبی یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها، اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یا رشاء و

ارتشاء عمدۀ در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست های تولیدی کشور شود و امثال آنها، خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت های ملی اگرچه به خارج کردن آن نینجامد، وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن، اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور، تاسیس، قبول نمایندگی و عضو گیری در بنگاه، موسسه، شرکت یا گروه به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضاء به نحوی که اعضاء جدید جهت کسب منفعت، افراد دیگری را جذب نموده و توسعه زنجیره یا شبکه انسانی تداوم یابد. (الحاقی ۱۴/۱۰/۱۳۸۴) در ماده ۲ این قانون نیز آمده است: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور، چنانچه در حد فساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می شود. همان طور که ذکر گردید. چنانچه ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در ماده یک قانون فوق الذکر با هدف اخلال در نظام اقتصادی کشور انجام گیرد و یکی از قصدهای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا مقابله با آن را داشته و یا عالم به تأثیر اقدامات در مقابله با نظام باشند و به تشخیص محکمه اقدامات آنان موجب فساد فی الارض باشد، مجازاتی در حد اعدام خواهند داشت و همچنین ضبط اموالی که از طریق خلاف قانون تحصیل شده به عنوان جزای مالی در حکم نیز لحاظ خواهد شد. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز، درباره کسانی که اقدام به فعالیت اقتصادی مجرمانه می کنند، حکم مفسد فی الارض را با شرایط خاصی، پیش بینی کرده است. طبق این ماده، "هرکس به طور گسترده، مرتکب اخلال در نظام اقتصادی کشور... یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمدۀ به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی ... در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد." غیر از موارد حدود و قصاص که مبانی شرعی خاص خود را دارند، سلب حیات به عنوان تعزیر جای بحث دارد و از آن جا که مبانی شرعی آن نامعلوم است قانون گذار سعی کرده است در حد امکان، مجازات های اعدامی را در قالب افساد فی الارض قرار دهد. تا بدین صورت به آن عنوان حد داده و دارای مبانی شرعی معرفی کند. با وجود این، قانونگذار در سال ۱۳۹۲ ضمن تفکیک محاربه از افساد فی الارض، در مقام ارایه معیار برای تشخیص جرم افساد فی الارض، از تعبیری چون «به طور گسترده»، «اخلال شدید» و «در حد وسیع» استفاده کرده است تا دامنه ی جرم را به موارد خاص محدود کند. (ساریخانی؛ آقا بابا بنی ۱۳۹۳: ۱۲) بنابراین می توان گفت در تراحم مصالح اجتماعی با مسأله حیات، سلب حق حیات به عنوان مجازات با مبانی فقهی سازگاری ندارد و اعدام تعزیری فاقد مستند شرعی است؛ و اینکه برخی فقها نوشته اند در تعزیر مفهوم تأدیب نهفته است و اعدام تعزیری با آن سازگاری ندارد سخن به جا و قابل قبولی است. (همان: ۳۰)

همچنین قانون گذار در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای نخستین بار یک رفتار مادی مستقل را، بدون آنکه مشروط به احراز قصد خاص باشد، به عنوان جرم ارزی علیه امنیت سیاسی و اقتصادی کشور و مصداق یک جرم حدی امنیتی جرم انگاری کرد. ناگفته نماند که در تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا، افزون بر اینکه احراز قصد خاص «اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمدۀ یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده» برای اثبات افساد فی الارض شرط

شده، «گسترده‌گی» جرم نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های عنصر مادی جرم بیان گردید. (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۲۷۶) بنابراین اخلال در نظام اقتصادی کشور، عنوانی عام است که ملازمه‌ای با حصر آن در جرایم مذکور در قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ ندارد. چون در قوانین دیگری نیز به جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور اشاره شده است.

۲-۳- آموزه‌های فقهی و تاثیر آن قوانین حقوقی حاکم بر جرایم اقتصادی

یکی از مهمترین رسالت‌های فقه حکومتی ارائه مبانی تدوین سیاستهای اقتصادی دولت اسلامی است. انجام این مهم مستلزم ارائه روشی مشخص برای کشف نظریات اقتصادی اسلام از منابع اسلامی است. در واقع چنین می‌توان استنباط نمود که فقه نظریه روش اجتهادی بدیعی در متون فقهی است که با هدف کشف نظریات بنیادی اسلام در عرصه‌های گوناگون از جمله و تدوین و تصویب قوانین در ایران بدان استناد می‌شود. تلاش عمده فقها این است که فقه را از چهار چوب سطح خرد به سطح کلان و اجتماع و حقوق و سیاست تعمیم دهند تا بدنی طریق احکام شریعت در نهاد قوانین اجرا و اجرایی شود در واقع، وظیفه فقه کشف خطوط کلی چارچوبهای کلان اقتصادی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی اسلام است تا بدین طریق بتواند پل رابطی بین شریعت و قوانین و حقوق امروز باشد.

به طور مثال رشوه خواری از جمله جرایمی است که در جهت باطل ساختن حق و یا ثابت کردن باطل می‌باشد و متشکل از دو رکن راشی و مرتشی است ولی در اینکه موضوع رشوه چه می‌باشد و آیا ادله رشوه اختصاص به باب قضا دارد یا عام است بین فقها اختلاف است و اکثر فقهای امامیه حکم رشوه را اختصاص به باب قضا داده‌اند و حرمت رشوه را در سایر ابواب با قاعده «حرمت اکل مال به باطل» توجیه می‌کنند یعنی با عقد باطل مال از مالکیت راشی خارج نمی‌شود و به مرتشی منتقل نمی‌شود و لذا تصرف او در آن مال حرام و مصداق اکل مال بالباطل می‌شود (نراقی، بی تا: ۸۹) مثلاً شیخ انصاری حرمت رشوه در غیر باب قضا را از باب صدق عنوان رشوه شرعی حرام نمی‌داند بلکه چون دارای اثر وضعی فساد است حرام شمرده می‌شود (دزفولی، ۱۴۱۵هـ.ق: ۲۴۷)

اما با نگاهی به قوانین متعددی که از مراجع قانونی مانند مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت، قوه مجریه و قوه قضائیه در زمینه مبارزه با اخلال در نظام اقتصادی کشور به تصویب رسیده و در حال اجرا است. این امر موجب تعدد و پراکندگی قوانین معتبر در این زمینه شده است. به نظر می‌رسد تأکید اصلی سیاست جنایی کشور و وجه مشترک همه قوانین مذکور، تشدید مجازات مرتکبین جرایم اقتصادی است. مسأله دیگر، تشتت در آرای محاکم رسیدگی کننده در زمینه اخلال در جرائم اقتصادی است که ناشی از وجود قوانین و تفسیرهای متفاوت رویه قضائی از قوانین خصوصاً "قانون مجازات اخلاصگران اقتصادی و نوع دادگاههای رسیدگی کننده است. از طرف دیگر تدابیر و ساز و کارهای به کار گرفته شده در کشور ما پیرامون مبارزه با فساد اقتصادی نشانگر آن است که عوام‌گرایی کیفری در مبارزه با این پدیده، تهدیدی غیرقابل انکار است. سیاست‌های کیفری عوام‌گرا در مبارزه با فساد اقتصادی سبب شده در بسیاری موارد امنیت‌گرایی بر ملاحظات اقتصادی پیشی گرفته و جرم‌انگاری و کیفرگذاری در سیاست کیفری ماهوی با اصول بنیادینی همچون اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، هم‌خوانی نداشته باشد. علیرغم دغدغه مبارزه سریع با فساد اقتصادی و در نقطه مقابل؛ پیش‌بینی راهکارهایی جهت رسیدگی سریع و

خارج از نوبت، در کنار سیاست تشهیر مجرمان، از مصادیق عوام‌گرایی مبارزه با جرایم اقتصادی در سیاست کیفری ایران است. (حسینی، اسماعیل زاده ۱۳۹۴: ۲۰۱)

تدابیر خاص کیفری (سرعت در محاکمه، عدم رعایت تشریفات دادرسی، قطعیت، اجرای سریع، رسیدگی نهادهای خاص) از سوی قانونگذار در برخورد با جرائم اقتصادی به گونه‌ای مختلف تدبیر شده است و نیز تدابیر خاص پیشگیرانه و غیرکیفری از سوی نهادهای رسمی جامعه سیاست‌گذاری و مدیریت می‌شود (سازمان تعزیرات حکومتی، ستاد مبارزه با بحران اقتصادی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ستاد پیشگیری در امر جعل) که جملگی اختصاص به جرائم اقتصادی با چارچوب‌های خاص دارد و لذا این تفکیک جرائم اقتصادی از جرائم مالی لازم و قابل توجهی می‌نماید. بویژه اینکه جرائم نوع اخیر غالباً به صورت بانددی، شبکه‌ای و با سوء استفاده از قدرت انجام می‌گیرد و علی‌الخصوص از جرائم یقه سفیدها مانند تطهیر پول، جرائم قاچاق کالا و ارز تلقی می‌شود. (عباسی ۱۳۹۵: ۲)

به نظر می‌رسد موضوع جرم اخلال در نظام اقتصادی و مصادیق آن در فقه و حقوق دیدگاه‌های متفاوت و گاه موافق و همسویی وجود دارد که به روشنی مقایسه نشده‌اند زیرا ابعاد این جرایم وجوه قوانینی و فقهی متفاوتی را به خود گرفته است نکته مهم در زمینه جرائم اقتصادی این است که کدامیک از این دسته از جرایم و تحت چه شرایطی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض محسوب می‌شوند. این امر نیازمند سیاست جنایی مشخص در زمینه جرایم اقتصادی است. همچنین در زمینه قوانین ماهوی، جرم انگاری بیش از حد و تکلیف فوق العاده به دستگاه قضایی برای حل و فصل کلیه دعاوی و اختلافات مردم و نهادهای دولتی با یکدیگر و با مردم از جمله علل و عوامل مهم جرایم ارتكابی قضات به ویژه اشتباهات قضایی می‌باشد که موجب تغایر و تفاوت تصمیم‌ها و آرای قضایی می‌شود.

آنچه که بحث آن بسیار ضروری و لازم است این است که فقها در هیچ کتاب فقهی بحث فقهی مستقلی برای عنوان افساد فی الارض ارلئه ننموده‌اند و فقط برخی از فقها برای جرمهای خاصی مانند « کفن دزدی، آتش زدن منزل دیگری، اعتیاد به کشتن اهل ذمه، آدم ربایی و آدم فروشی، قاچاق مواد مخدر » (مفید، ۱۴۱۰ق: ۸۰۵) به عنوان افساد فی الارض معرفی کرده‌اند اما بررسی در مواد و محتوای قوانین اسلامی می‌توان بدین نکته اذعان داشت که قانونگذار ایرانی در اقتباس جرم افساد فی الارض از فقها تخطی نموده و به ذکر مصادیقی پرداخته است که فقها بدان نپرداخته‌اند و آن را منافات با فقه اسلام می‌دانند (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۹۱)

آنچه که مسلم ذکر عبارات، عناوین و اصطلاحات کلی و مبهم در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی که مهمترین قانون در این زمینه است، بدون ارایه معنی و مفهوم و حدود آن که در بسیاری از موارد باعث تفسیرهای وسیع و سلیقه‌ای قضات می‌شود، از مشکلات قانون نویسی در کشور است. به عنوان نمونه در بند (الف) ماده ۱ قانون مزبور، قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه، قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع کردن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن‌ها جرم انگاری شده است. در این بند قانون گذار به ذکر عبارات و اصطلاحاتی کلی، بدون این که متعرض معنی و مفهوم و حدود آن شود، پرداخته است. به عنوان مثال مفهوم و حدود اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور در قانون مشخص نیست. هم چنین نسبت به قاچاق عمده هیچ گونه تعریف و معیاری بیان نشده است و ملاکی برای تشخیص عمده از غیر عمده وجود ندارد.

هم چنین بند (ب) ماده ۱ نیز سرشار از عبارات مبهمی است که تعریف و حدود و شرایط تحقق آن ها معلوم نیست مانند: اخلال، کلان و ... بند(ج) ماده ۱ نیز مربوط به اخلال گران در نظام تولیدی کشور است که عنوانی کلی و مبهم است... در این بند فروش غیرمجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه از مصادیق مجرمانه اخلال در نظام تولیدی شناخته شده است؛ هر نوع کالا حجم وسیعی از اقلام مختلف را در بر می گیرد و با توجه به اینکه قانون گذار مثال و نمونه ای برای آنها ارائه نکرده است، ممکن است موجب تفسیر وسیع قرار گیرد. (ساک، ۱۳۹۱: ۳۹۳)

قانون گذار در بند «و» ماده ۱ قانون مذکور، اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی و... را با عباراتی مبهم و قابل تفسیرهای وسیع و گسترده که می تواند دامنه شمول فراوانی داشته باشد، جرم شناخته است. همچنین مشخص نیست چرا مقنن متعرض اقدام باندی در سایر بندهای این قانون نشده و مشخص نیست اگر اقدامات این بند به غیر از طریق باندی صورت گیرد مشمول چه قانونی است. (همان: ۶۵)

بکار بردن واژه هایی نظیر: «عمده»، «کلان»، «فراوان» در متن بندهای ماده یک قانون مذکور نیز کاملاً مبهم می باشد. بطور مثال منظور از قاچاق عمده ارز یا گرانفروشی کلان ارزاق یا جعل عمده اسکناس، احتکار عمده، معلوم نیست باید به چه میزان و مقداری باشد تا جرم اخلال در نظام اقتصادی محقق گردد. ابهام بعدی در خصوص آوردن عبارت «و امثال آن ها» بعد از ذکر مصادیق مجرمانه در انتهای بندهای الف، ب و ج ماده یک قانون مجازات اخلال گران اقتصادی می باشد. با توجه به اینکه جرایم موضوع قانون مذکور، از جرایم مهم و دارای مجازاتهای سنگین است، لذا بکار بردن عبارت «و امثال آن ها» در پایان مصادیق مجرمانه اخلال در نظام اقتصادی در بند "الف" و "ب" و "ج"، مخالف صریح اصول و قواعد حاکم بر حقوق جزا از جمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات می باشد.

۴- آموزه های فقهی و تاثیر آن بر نظام قضایی حاکم بر سیاست جنایی در جرایم اقتصادی

قانون بایستی به لحاظ عملی صریح، ساده و بدون ابهام وضع شود تا کارگذاران و مجریان به راحتی بتوانند آن را اجرا نمایند در عین حال قانون باید قابل اجرا باشد، اگر قانون به گونه ای وضع شود که مقبولیت و امکان اجرا در آن لحاظ نشود در این صورت وضع آن به منزله دعوت عمومی برای نقض آن است. قانونگذار علیه جرایم اقتصادی باید به گونه ای منجز و رسا باشد که اختیارات گزینشی در آن نباشد. با نگاهی به تعالیم اسلامی و نگاه فقهی به سیستم قضایی آنچه بسیار مهم است این است که در قرآن، کیفر و جزا هم به معنای کیفر بدکاران و هم به معنای پاداش نیکوکاران به کار رفته است اما معنای ترکیبی عدالت کیفری، تا اندازه ای قابل تأمل است. اسلام، دین دانش، عدالت، انصاف و ارزشهای اخلاقی، دینی که سراسرش نظام است، نظام اعتقادی صحیح و پیراسته از خرافات، نظام آداب نیک، نظام عبودیت و بندگی خداوند، نظام حکومت و سیاست، نظام سرمایه و اقتصاد، نظام ازدواج و خانواده و احوال شخصی، نظام تعلیم و تربیت مترقی، نظام قضاوت و دادرسی، نظام حقوق و قراردادهای، نظام جنگ و صلح و نظام تمامی امور و در یک کلام، اسلام، عقیده، شریعت، سیاست و حکومت است.

بی گمان هدف از اعمال کیفر، حفظ حقوق انسان و جلوگیری از تعدی و تجاوز به آنها، به منظور تحقق آرمان «عدالت» است. بر حقوق کیفری، اصول بسیار مهمی حکومت می کند که می توان آن ها را سازنده نظام عدالت کیفری دانست. که اصل مسؤولیت اخلاقی، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها و محاکم، اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری، اصل عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری یا تفسیر قوانین کیفری به نفع متهم، اصل

برائت و قاعده دره، اصل تناسب بین جرائم و مجازات‌ها و کیفر بر اساس استحقاق. در این میان، پاره‌ای از اصول اهمیت بیش‌تری داشته، بعضی از دیگر اصول، نتیجه منطقی آن‌ها به‌شمار می‌روند. (غفاری، ۱۳۹۱: ۱۰۹)

از جمله ایرادهایی که می‌توان به رویه قضایی در برخورد با پرونده‌های متهمان به ارتکاب جرم اخلال در نظام اقتصادی، وارد دانست؛ نداشتن تعریف دقیق و حقوقی از مفهوم «اخلال» است. هم چنین در احراز سوء نیت و عنصر معنوی مرتکبان، اختلاف نظر جدی وجود دارد. در بررسی برخی از آرای صادره به نظر می‌آید اطلاق جرم اخلال در نظام اقتصادی، بدون دقت کافی صورت گرفته است. برخی از اختلاف نظرها سیاست جنایی قضایی در رسیدگی به پرونده های مخل نظام اقتصادی به همراه تحلیل آراء مذکور خواهیم پرداخت:

۴-۱- آموزه‌های فقهی در احراز صلاحیت محاکم رسیدگی کننده به جرایم اقتصادی

با انقلاب ۱۳۵۷، احیای شعائر اسلامی و ابتناء حکومت بر پایه مبانی دین مبین اسلام از موارد مهمی بود که در مقدمه قانون اساسی نیز به صورت ذیل بدان ذکر. "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد. ..."

بر این اساس با تاکید بر اصل ۱۶۷ قانون اساسی که مقرر می دارد:

قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم هر قضیه را صادر نماید و نمیتواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. به عبارت دیگر اصل فوق الذکر دقیقاً تأیید کننده، تغییر و دگرگونی رویکرد قانونگذار به منابع صدور حکم قضایی است، یعنی روی گردانی از «روح قوانین» و «عرف و عادت مسلم» و گرایش به «منابع معتبر اسلامی» از زمان قانونگذاری رسمی در ایران بوده و این روند بعد از انقلاب نیز تداوم یافت برای حفظ عدالت عنصر فقه و آموزه های دینی به قلمرو نظام حقوقی وارد شد. (عامری، ۱۳۸۸: ۲۲)

خود قانون اساسی، بر اساس اصل ۱۶۷ ق.ا. فتاوی و منابع معتبر اسلامی رادر حکم قانون قرار داده است، بنابراین منافاتی با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها ندارد. مبنا و منشأ این دیدگاه، نظریه کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی است که در مورد تفسیر ماده ۲۸۹ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری صادر شده است. بر اساس نظریه کمیسیون نامبرده «... دادگاههای کیفری (در مورد هیچ یک از قضایایی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری است) نمی توانند به بهانه سکوت یا اجمال یا نقص تعارض قانون از رسیدگی امتناع نمایند. هم چنین نمی توانند به همین بهانه و به صرف این که جرم بودن یک قضیه در قوانین جزایی مدونه یافت نمی شود، حکم به برائت متهم صادر نمایند به نظر می رسد که مراجعه کردن دادگاه به منابع معتبر فقهی جهت تشخیص این که قضیه مطروحه از نظر شرع مقدس اسلام جرم است یا خیر و صدور حکم به مجازات بر مبنای منابع فقهی اشکالی ندارد؛ زیرا که این رویه مغایرتی با مقررات مندرجه در ماده قانون راجع به مجازات اسلامی و هم چنین با مفاد اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ندارد. برای این که هر فعلی یا ترک فعلی که از نظر فتاوی جرم باشد، به مقتضای اطلاق و عموم ماده ۲۸۹ مذکور جرم به حکم قانون محسوب می شود و متهم نیز مجرم تلقی می گردد و مجازات مرتکب، در این صورت مجازات به موجب قانون خواهد بود.» (غفاری، ۱۳۹۱: ۱۲۱)

برخی از حقوقدانان بر این باورند که با این تحلیل، منابع فقهی و فتاوی معتبر نیز، به حکم قوانین مدون در ردیف عنصر قانونی جرایم و مجازات ها به شمار خواهد آمد و تکلیف دادگاه در مراجعه به آن برای یافتن حکم قضایای کیفری به معنای جواز تفسیر موسع قوانین کیفری نخواهد بود و بدین ترتیب با توجه به اصل ۱۶۷ ق.ا. و قوانین عادی مرتبط با آن، با مفهوم جدیدی از تعریف جرم در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهیم شد. (ولیدی، ۱۳۷۴: ۱۱)

با ارزیابی در نظام حقوقی و پرداختی در پرونده‌های مختلف، رویه محاکم در احراز شرایط از جمله اخلال عمده در نظام اقتصادی و قصد مقابله با نظام و ضربه زدن به آن یکسان نبوده و سرنوشت پرونده تا حدودی تابع سلیقه مراجع رسیدگی کننده و تأثیر فضای روانی جامعه بر دادرس بوده است. شرح مختصری از چند نمونه از مهم ترین پرونده‌های محل نظام اقتصادی که در سال‌های اخیر رسیدگی و اطلاع رسانی شده است نقل می گردد: پرونده اتهامی آقای وحید مظلومان و تعدادی از هم دستان وی به اتهام قاچاق ارز در سال ۱۳۹۷ منجر به صدور حکم محکومیت نامبرده و سایر متهمان به جرم افساد فی الارض از طریق سردستگی و تشکیل شبکه افساد و اخلال در نظام اقتصادی، ارزی و پولی کشور با انجام معاملات غیرقانونی و غیرمجاز ارز و قاچاق عمده ارز از کشور در حد کلان گردید، دادگاه با اعتقاد به اینکه مجموع رفتار ارتكابی نامبردگان (متهم ردیف اول و دوم) موجب اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور شده است؛ آنان را مفسد فی الارض دانسته و حکم به اعدام آنان و ضبط اموال ناشی از ارتكاب جرم توسط اجرای احکام صادر نموده است. وکلای متهمان در مقام دفاع استدلال می کردند که «قصد متهمان تنها سودجویی بوده و قصد مقابله با نظام یا ضربه زدن به آن را نداشته‌اند». این استدلال، مورد پذیرش دیوان عالی کشور قرار نگرفت و شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور در پاسخ، اظهار کرده است در تبصره ذیل ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی که قانون حاکم بر عمل متهمان است، قصد مقابله با نظام یا ضربه زدن به آن تصریح نشده و صرفاً به قصد اخلال در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع با علم به موثر بودن اقدامات انجام شده (در اخلال گسترده) تصریح شده است. آنچه از رای دیوان عالی کشور می توان برداشت کرد؛ این است که برای اینکه شخصی به اخلال در نظام اقتصادی کشور و به تبع آن به افساد فی الارض محکوم شود، ضرورتی ندارد که مرتکب، قصد مقابله با نظام یا ضربه زدن به آن را داشته باشد، بلکه کافی است قصد اخلال گسترده در نظم عمومی یا حتی علم به این موضوع در نتیجه اعمال ارتكابی اثبات شود. در دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۲۵۶۰۳۲۴ تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۹ شعبه مزبور آمده است:

«..... با توجه به دامنه وسیع اقدامات متهمین و ایادی و عوامل آن‌ها و سایر اوضاع و احوال موجود، نمی توان قصد متهمین را صرفاً سودجویی تلقی کرد و قصد اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور را مفقود دانست و حداقل این که متهمان، آگاه به آثار سوء اقدامات خود در اقتصاد جامعه و شمول ذیل تبصره فوق می باشند.....» (سایت خبرگزاری فارس تاریخ بازدید ۹۸/۸/۹)

در پرونده دیگری، مدیر یک موسسه مالی و اعتباری، به شرکت در اخلال در نظام اقتصادی کشور به نحو عمده بدون قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران مجرم شناخته شد و مجازات حبس برای وی در نظر گرفته شد! در عبارت پایانی رأی نیز قید شده که «.... بزه انتسابی مبنی بر اخلال در نظام اقتصادی کشور به نحو عمده بدون قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا مقابله با آن به نحو مباشرت از نظر هیئت قضایی محرز و مسلم

است.....». بر این اساس روشن است که دو دادگاه در رابطه با قوانین یاد شده آرای مختلفی صادر کرده‌اند و یکی قصد مقابله با نظام را درخصوص اخلال و افساد موثر دانسته است؛ اما دیگری چنین نظری ندارد. (روزنامه شرق ۱۳۹۷/۱۰/۱۷)

یکی دیگر از پرونده‌هایی که در مقابله با فساد اقتصادی در سال‌های اخیر در دستگاه قضایی تشکیل شد، پرونده رسیدگی به اتهام‌های متعدد بابک زنجانی بود. بازرگانی که در زمینه دور زدن تحریم‌های اقتصادی کشور فعالیت می‌کرد. رسیدگی به این پرونده در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران منتهی به صدور رأی بر محکومیت وی به اعدام گردید. حسب محتویات پرونده این شخص در اقدامات خود مبالغه‌ناگفتی از بیت‌المال را از کشور خارج و در حساب‌های خود در کشورهای تاجیکستان و برخی کشورهای اروپایی واریز کرده بود. علاوه بر این، بابک زنجانی در حوزه‌های مختلف نیز در نظام اقتصادی کشور اخلال ایجاد کرده بود. طبق کیفرخواست صادره از سوی دادسرای عمومی و انقلاب تهران، اتهامات بابک زنجانی شامل: افساد فی الارض از طریق اخلال در نظام اقتصادی کشور، کلاهبرداری از شرکت ملی نفت، بانک مسکن و سازمان تأمین اجتماعی، پولشویی، جعل ۲۴ فقره اسناد بانکی و صورت حساب‌های بانکی، جعل حواله‌های ارزی و جعل دستور انتقال بین بانک‌ها بود. رأی دادگاه بدوی در دیوان عالی کشور تأیید شد. در این پرونده نیز بدون اینکه قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا قصد مقابله با آن یا علم متهم به موثر بودن اقدام خود در مقابله با نظام احراز گردد، متهم مذکور به اعدام محکوم گردید. این امر در حالی است که حسب ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی، برای محکوم کردن مرتکب جرم اخلال در نظام اقتصادی به مجازات اعدام، باید قصد او در ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا قصد مقابله با آن یا علم به موثر بودن آن احراز گردد. (سایت روزنامه انتخاب ۹۵/۱/۱۴)

در پرونده دیگری مشهور به پرونده سه هزار میلیارد تومانی، شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی تهران در دادنامه شماره ۱۱۰ ش د ۹۱.۱ مورخ ۱۰ مرداد ماه سال ۹۱، در رسیدگی به اتهام افساد فی الارض از طریق اخلال در نظام اقتصادی کشور با تبانی و فساد در شبکه بانکی کشور و توسل به روش‌های متقلبانه و اضرار به نظام و مشارکت در کلاهبرداری کلان و تحصیل مال از طریق نامشروع، با احراز ارتکاب جرایم «افساد فی الارض، شرکت در پولشویی، جعل و استفاده از اسناد مجعول، برای متهمان ردیف یکم تا چهارم پرونده حکم اعدام صادر کرد. دادنامه مذکور در بخش دیگری استدلال کرده است: «...دخالت تام متهمان ردیف اول تا چهارم در گشایش یکصد و سی و شش فقره ال سی و پذیرش آن از سوی متهمان و علم آن‌ها به اینکه ال سی‌ها عمدتاً صوری و غیر واقعی است و در مقابل آن‌ها کالایی مبادله نمی‌شود و موجب خالی شدن بانک‌ها و اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌باشد و انطباق بر قسمت اول ماده یک قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور دارد...» (برگ ۱۰۱ دادنامه). صدور چنین رأیی در حالی است که؛ اقدام به گشایش اینگونه اعتبارات اسنادی ریالی که طبق ضوابط موجود در هنگام گشایش آن‌ها انجام شده، از نظر قوانین مربوطه جرم نبوده‌اند تا مشمول موارد مذکور در قانون مجازات اخلال‌گران قرار گیرند. خالی کردن بانک‌ها نیز اتهامی است که مستندی برای آن وجود ندارد و خلاف واقع است. (کاشانی ۱۳۹۳: ۶)

همچنین، شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور برای تایید حکم دادگاه انقلاب از جهت انطباق اعمال متهمان ردیف یکم تا چهارم با بندهای الف و ج ماده یک قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور به این استدلال شگفت انگیز متوسل شده است: «..... در بند الف و ج ماده یک قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور عبارت « و امثال آنها » به کار گرفته شده که البته در آخر هر بند ذکر شده و کلمه اخلاال هم در صدر هر بند ذکر شده که مبین آن است که آنچه داخل هر بند از این طریق بیان شده تمثیلی می باشد. یعنی اخلاال در نظام پولی و ارزی کشور منحصر به قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی نیست و در غیر این موارد هم ممکن است مصداق پیدا نماید.....»

استدلال شعبه دیوان عالی کشور ناشی از اشکالی بوده که در قانون مجازات اخلاالگران نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ وجود داشته لذا در یک قانون کیفری که در مقام تعیین بزه ها و کیفرهاست بکار بردن اصطلاحاتی چون « و امثال آنها » برخلاف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات هاست که در اصول ۳۶، ۳۷ و ۱۶۹ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قواعد به رسمیت شناخته شده جهانی مورد تاکید قرار گرفته اند و نشان دهنده بی اعتنائی تدوین کنندگان این قانون به اصول قانون اساسی و یا ناآگاهی آنان از این اصل مسلم حقوق کیفری است که ارتباط تنگاتنگ با حقوق و آزادیهای شهروندان کشور دارد. (همان : ۱۰)

۲-۴- تفسیر موسع رویه قضایی از اخلاال در نظام اقتصادی

هم چنان که ارتکاب جرایم اقتصادی می تواند امنیت اقتصادی کشور را سلب کند، تصویب برخی از قوانین، به خصوص در حوزه جرم انگاری نیز می تواند موجب سلب امنیت قضایی شهروندان گردد. در پرونده‌ای که ۱۷ نفر از اشخاص به عنوان شاکی از شخصی به نام جعفر حاجی خانی به عنوان مدیر عامل شرکت بازرگانی ایثار، شکایت و مدعی بودند هر یک مبلغی (جمعاً به مبلغ ۱,۷۶۳,۵۲۵,۰۰۰ ریال) داده‌اند تا در قبال آن ماهیانه سودی به آنان پرداخت شود. مشتکی عنه نیز در قبال دریافت وجوه یاد شده چندین فقره چک بابت اصل مبالغ دریافتی از شکات به آنان تحویل داده است. متهم مذکور علیرغم وعده هایی که داده بود نه تنها هیچ سودی به شکات پرداخت نکرده، بلکه از استرداد اصل وجوه نیز خودداری نموده و چک های تحویلی ایشان به شکات نیز تماماً به علت نداشتن موجودی برگشت خورده است. رسیدگی به این پرونده در شعبه ۱۱۹۱ دادگاه عمومی جزایی تهران مستقر در مجتمع اقتصادی تهران انجام و منتهی به صدور دادنامه شماره ۷۸ در تاریخ ۸۶/۹/۱۲ گردید (رونوشت این دادنامه از شعبه ۱۱۹۱ دادگاه عمومی جزایی تهران مستقر در مجتمع قضایی امور اقتصادی تهران اخذ گردید). در این رأی، شعبه مزبور اعمال متهم را مشمول بند (ه) ماده یک قانون مجازات اخلاال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ تشخیص و مشارالیه را به اتهام حیف و میل اموال شکات و با رعایت ماده ۲ قانون مرقوم، به تحمل پنج سال حبس تعزیری و پرداخت مبلغ ۱,۷۶۳,۵۲۵,۰۰۰ ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می کند. این در حالی است که دادگاه می توانست اقدام مرتکب را با ماده ۵۹۵ یا ذیل ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری که مجازات خیلی کمتری برای مرتکب پیش بینی شده است، تطبیق دهد و مسلماً چنانچه دادگاه دیگری همین پرونده یا پرونده مشابهی را به استناد مواد ذکر شده رأی صادر کند ایرادی بر تصمیم دادگاه نیست که از نظر اصول حقوقی مقرون به صحت است.

از طرفی در پرونده دیگری به موجب دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۹۷۲۱۳۰۱۰۰۰۲۵ مورخه ۱۳۸۹/۱۰/۵ شعبه ۱۱۹۱ دادگاه عمومی جزایی مجتمع قضایی امور اقتصادی تهران، سه نفر از کارمندان گمرگ فرودگاه مهرآباد تهران به استناد بنده ماده یک قانون مجازات اخلال در نظام اقتصادی کشور به اتهام اقدام بانندی در جهت اخلال در نظام صادراتی کشور، اخذ رشوه های کلان، جعل پیمان ارزی و استفاده از آن بدو از سوی شعبه ۱۸۰ دادگاه عمومی جزایی تهران به اعدام، مصادره اموال، شلاق و جزای نقدی محکوم شدند. شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور نیز رأی دادگاه بدوی را تایید کرد. در نتیجه اعتراض وکلای محکومان از طریق اداره نظارت قوه قضائیه با اعمال ماده ۲ اختیارات رئیس قوه قضائیه پرونده در شعبه ۴۰ دیوان عالی کشور مورد رسیدگی و این شعبه رأی را نقض و برای رسیدگی مجدد پرونده را به شعبه هم عرض دادگاه صادر کننده رأی ارجاع می دهد. در نهایت شعبه ۱۱۹۱ دادگاه عمومی تهران به عنوان شعبه هم عرض، احکام محکومیت سابق (اعدام محکومان) را نقض و هریک را به ۱۳ سال حبس وفق بند «و» از ماده ۱ قانون اخلال وماده ۲ آن محکوم و بعضی از اموال را نیز از شمول مصادره خارج کرده است (رونوشت این دادنامه از شعبه ۱۱۹۱ دادگاه عمومی جزایی تهران مستقر در مجتمع قضایی امور اقتصادی تهران اخذ گردید). در نقد این رأی باید گفت اقدام متهمان فوق به هیچ وجه منجر به اخلال در نظام اقتصادی کشور نبوده اگرچه متهمین با هماهنگی و به صورت بانندی مرتکب جرم شدند لکن هریک از آنان صرفاً " به قصد و انگیزه مالی اقدام به اخذ رشوه ، جعل و غیره نموده بودند. بنابراین موضوع منطبق با قانون مجازات اخلال در نظام اقتصادی نبوده است. در این پرونده نیز مشخص نیست قصد اخلال در نظام اقتصادی و نتیجه ای که منجر به محکومیتی مانند اعدام می شود چیست؟ و آیا جرم اخلال در نظام اقتصادی مقید است یا مطلق؟ که این موضوع در قانون مذکور مشخص نشده است. به نظر می رسد، عدم تعریفی دقیق از واژه اخلال در قانون مجازات اخلالگران اقتصادی موجب چنین برداشت های متفاوت و نهایتاً " تفاسیر موسع از سوی مراجع رسیدگی کننده گردیده است. (خبرگزاری فارس ۹۷/۶/۱۵)

۳-۴- مبانی فقهی - قانونی موثر بر عدم تمایل محاکم در صدور حکم اعدام برای مرتکبین جرایم اقتصادی

پدید آوردن شیوه های حقوقی متنوع برای تضمین حاکمیت مضاعف قانون و شرع یکی از ویژگی های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. (محمودی، ۱۳۸۸: ۱۷) اما در مورد مجازات اعدام مشکلات عدیده ای پیش روی قضات دادگاه ها است زیرا برخی از فقها بر این باورند که افساد فی الارض عنوان مجرمانه ای مستقل و جدا از محاربه است؛ اما مشهور فقها بر این باورند که افساد فی الارض و محاربه، جرم واحدی است. درک حدود موضوع و اینکه مفسد فی الارض چیست از لازم ترین و حساس ترین مباحثی است که بی تردید برای رسیدن به استنباطی روشن و قوی در این زمینه می تواند تاثیر مهمی را در حقوق جزا و اجرای حدود در مورد مفسد فی الارض داشته باشد که در پرتو آن معلوم خواهد شد نمی توان بر مبنای افساد فی الارض از مجرمین اقتصادی سلب حیات نمود. مسئله دیگر این است که پیامدهای قابل توجه اتخاذ سیاست های عامه پسند که وجه بارز آن ها انتخاب روزمرگی و دوری گزینی از واقعیات جرم شناسی و کیفرشناسی است، ایجاب می کند ابعاد مختلف عوام گرایی در سیاست کیفری پیرامون جرایم اقتصادی شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد به ویژه آن که کشف پرونده های فساد اقتصادی و رسانه ای شدن برخی از آن ها علی رغم سابقه واکنش های سرکوب گرانه عدالت کیفری در این زمینه، نشانگر عدم تأثیر مثبت شیوه های به کار گرفته شده و لزوم بررسی علل اتخاذ این رویکردهاست. (حسینی، اسمعیل زاده، ۱۳۹۸: ۲۰۲)

با وجود اینکه قانونگذار به منظور بازدارندگی در جرم انگاری جرم اخلال در نظام اقتصادی، شدیدترین مجازات (اعدام) را در نظر گرفته است، اما رویه قضایی ضمن اینکه باید پذیرفت در مواردی تحت تأثیر فضای رسانه‌ای و عوام‌گرایی قرار داشته اند، تمایل چندانی در صدور حکم اعدام برای مرتکبین جرایم اقتصادی از خود نشان نداده‌اند. علاوه بر مواردی که ذکر آن گذشت، می‌توان نمونه‌های دیگری از رویه قضایی بیان داشت از جمله؛ در پرونده رسیدگی به اتهامات هیئت مدیره بانک سرمایه که منتهی به صدور دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۸۰۷۳۰۲۱ در مورخ ۹۷/۱۲/۲۶ از شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی شد، اتهام آقایان: ۱- علی بخشایش فرزند روح اله مدیرعامل و عضو هیئت مدیره وقت بانک سرمایه دائر بر اخلال در نظام پولی کشور از طریق مشارکت در خیانت در امانت چهل و شش (۴۶) فقره تسهیلات بانکی مجموعاً به مبلغ ۲۹.۳۵۴.۸۸۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال و ۲- پرویز کاظمی فرزند درویش عضو هیئت مدیره وقت بانک سرمایه دائر بر اخلال در نظام پولی کشور از طریق مشارکت در خیانت در امانت چهل و یک (۴۱) فقره تسهیلات بانکی مجموعاً به مبلغ ۲۴.۸۸۳.۳۳۹.۰۰۰.۰۰۰ ریال و ۳- محمدرضا توسلی فرزند غلامرضا عضو هیئت مدیره وقت بانک سرمایه دائر بر اخلال در نظام پولی کشور از طریق مشارکت در خیانت در امانت چهل (۴۰) فقره تسهیلات بانکی مجموعاً به مبلغ ۲۵.۰۱۲.۶۱۶.۰۰۰.۰۰۰ ریال محرز و مسلم تشخیص و مستنداً به ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و تبصره یک ماده ۲۳ و ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بند «الف» ماده ۱ و تبصره ۱ ذیل آن و قسمت اخیر ماده ۲ و تبصره های ۲ و ۴ و ۶ ذیل آن از قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با الحاقات و اصلاحات بعدی و مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ و ماده ۹۱ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ و... هر یک از متهمین آقایان علی بخشایش و پرویز کاظمی و محمدرضا توسلی را به تحمل بیست سال حبس تعزیری و تحمل هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری در انظار عمومی و محرومیت دائم از هرگونه خدمات دولتی (استخدام در مشاغل دولتی) محکوم گردیدند. (خبرگزاری میزان ۹۸/۱/۲۶)

در این پرونده نیز، قاضی به قسمت اخیر ماده ۲ و تبصره های ۲ و ۴ و ۶ ذیل آن از قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با الحاقات بعدی آن و سایر قوانین استناد کرده و آنان را مفسد فی الارض شناخته است. در پرونده دیگری که با نام پرونده کیمیا خودرو اسپرلوس شناخته می شود، بر اساس کیفرخواست اتهام متهمین عبارت بود از: انجام عملیات واسپاری بدون مجوز، مشارکت در کلاهبرداری شبکه ای به مبلغ ۱۱۷,۰۰۹,۱۳۸,۰۰۰ ریال و پولشویی و ... دادگاه بزهکاری متهمان را در حد مشارکت و معاونت در کلاهبرداری شبکه‌ای محرز و مسلم دانسته و مستنداً به ماده یک و چهار و تبصره یک ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و مواد ۱۲۶ و بند الف ماده ۱۲۷ و ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات متهم ردیف اول را در خصوص اتهام مشارکت در کلاهبرداری شبکه‌ای به تحمل ۲۵ سال حبس و استرداد کلیه اموال منقول و غیر منقول که کسب کرده و رد آن به شکات و جزای نقدی معادل مجموع اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی، و متهم ردیف دوم را در مورد اتهام مشارکت در کلاهبرداری شبکه‌ای به تحمل ۱۵ سال حبس و استرداد کلیه اموال منقول و غیر منقول و... محکوم کرده است و در دادنامه آورده است که حکم صادره در مورد ردیف های یک تا هشت حضوری و به استناد ماده ۱۰ استجازه از مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۰ و ماده ۲۸ آیین نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرائم اخلال در نظام اقتصادی کشور مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۳ قطعی است. (باشگاه

خبرنگاران جوان ۹۸/۵/۱۲) با وجودی که رسیدگی به این پرونده در یکی از شعب دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاطلگران اقتصادی صورت گرفته بود، در رأی صادره به قانون مجازات اخلاطلگران در نظام اقتصادی کشوراستناد نشده است و تنها به آیین نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلاطلگران در نظام اقتصادی آن هم جهت قطعی شناختن رأی استناد کرده است. در حالی که در پرونده های مشابه، برخی از محاکم، این دسته از جرایم را از مصادیق اخلاطل در نظام اقتصادی تلقی و مطابق این قانون مجازات تعیین کرده اند.

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

آموزه های فقهی جزوه جدایی ناپذیر منابع حقوقی ماست در واقع هماهنگی بین سیاستگذاران تقنینی، اجرایی و قضایی در به کار بستن شیوه های موثر بر علیه جرایم اقتصادی امری است که در ماده ۱۶۷ قانون اساسی بدان اشاره شده است اما در تحلیل و بررسی مصادیق جرایم اقتصادی شمولیا ماده ۱۶۷ قانون اساسی با حاکمیت قانون در نظام کیفری در تعارض است و برخی از این دعوای که در نظام فقهی جرم سنگینی دارد در نظام حقوقی ایران جزوه فساد فی الارض است و حکم اعدام دارد. در بررسی قانون مجازات اخلاطلگران در نظام اقتصادی، ملاحظه می شود که سیاست گذاری مقنن بیشتر بر پایه تدابیر قهرآمیز و سرکوبگر کیفری یا به تعبیر دیگر، همان مجازات های معروف حقوق جزا استوار است. به نظر می رسد تأکید اصلی سیاست جنایی کشور ما تشدید مجازات مرتکبین جرایم اقتصادی است. در سال های اخیر با توجه به شرایط نابسامان اقتصادی، آمار پرونده های اخلاطل در نظام اقتصادی افزایش پیدا کرده و قانونگذار برحسب زمینه های اخلاطل در نظام اقتصادی مانند اخلاطل ارزی، احتکار، پولشویی، اختلاس و کلاهبرداری، مبادرت به تدوین قوانین جدید نموده که عموماً با تشدید مجازات همراه است. در حالی که سیاست جنایی فراگیر باید مبتنی بر علت شناسی و ریشه یابی جرایم اقتصادی باشد و به عواملی مانند تورم، تاثیرات تحریم اقتصادی، افزایش فاصله طبقاتی، کمبود کالاهای اساسی توجه کافی شود. نکته جالب اینجاست که عموماً در شرایط بحران اقتصادی مانند زمان جنگ، تحریم اول (۱۳۹۲)، تحریم دوم (۱۳۹۷) دامنه جرایم اقتصادی به شدت افزایش یافت که نشان دهنده ارتباط مستقیم جرایم اقتصادی با شرایط اقتصادی جامعه می باشد. سیاست جنایی تقنینی [در برابر جرم اخلاطل در نظام اقتصادی] که مهم ترین ویژگی آن مبتنی بر اندیشه، تفکر و تدبیر سیستمی بودن است، با خلاءها و کاستی های فراوانی روبه رو است و این امر موجب شده سیاست جنایی منسجمی در قبال جرایم اقتصادی نداشته باشیم و از اقتدار قوانین به واسطه دخالت سایر مراجع (غیر از مجلس شورای اسلامی) در فرآیند قانون گذاری کاسته شود. یکی از مشکلاتی که در زمینه قانون گذاری در جرائم اخلاطل در نظام اقتصادی کشور یا جرایم اقتصادی وجود دارد ابهام در مفاهیم بکار رفته در قوانین به ویژه قانون مجازات اخلاطلگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۶۹ است. به عنوان مثال یکی از ابهاماتی که در این قانون وجود دارد، مفهوم «اخلاطل» بود که در هیچ قانونی تعریف نشده است. از آنجاکه عمده جرائم مندرج در این قانون مقید به نتیجه هستند و نتیجه مدنظر قانون گذار هم، «اخلاطل» در یکی از ارکان نظام اقتصادی، از جمله نظام پولی، ارزی، صادراتی و..... است، بنابراین وجود شبهه در مفهوم اخلاطل هم، از دیگر مواردی است که علی الاصول می تواند اثبات این جرم را منتفی سازد. البته با تعریف مندرج در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تا حدودی این مشکل مرتفع شده است. مسأله دیگر، تشتت در آرای محاکم کیفری در رسیدگی به جرم اخلاطل در نظام اقتصادیست که ناشی از

تفسیرهای متفاوت رویه قضائی از قوانین جاری خصوصاً "قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور و همچنین نوع دادگاههای رسیدگی کننده می باشد. رویه قضایی در چند دهه گذشته با توجه به قوانینی که تصویب شده است، برداشت های متفاوتی از نحوه برخورد با جرایم اقتصادی ارائه داشته اند. به علاوه نوع دادگاه رسیدگی کننده به جرائم مخل نظام اقتصادی (دادگاه عمومی کیفری یا دادگاه انقلاب) نیز در تعیین عنوان مجرمانه و تعیین مجازات مؤثر است. عموماً دادگاههای انقلاب برخورد شدیدتری با جرائم اقتصادی دارند. اقدامات پیشگیرانه مؤثر در کنار برخورد قضائی شدید با جرایم اخلا ل در نظام اقتصادی مانند اختلاس، زمین خواری، سوءاستفاده از موقعیت شغلی، استفاده از رانت دولتی، به ویژه برای طبقات خاص جامعه و مدیران دولتی می تواند اعتماد عمومی را جلب و زمینه رشد و توسعه پایدار اقتصادی را فراهم نماید. لذا در این خصوص نیاز به تصویب قوانین جدید در زمینه جرائم اخلا ل نظام اقتصادی نیست بلکه با پیوستن به اسناد بین المللی و رعایت اصول و چارچوب کنوانسیون های بین المللی مانند کنوانسیون مبارزه با فساد و همچنین شفاف سازی فعالیت های اقتصادی، می تواند تاثیر مثبتی داشته باشد.

منابع:

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هب الله (بی تا) شرح نهج البلاغه، انتشارات مکتبه آیت الله المرعشی النجفی (ره) ایران، قم جلد ۱.
۴. باقرزاده، احد (۱۳۸۲). پیامدهای پولشویی و راهبردهای کنترلی با رویکرد به اسناد، مجموعه سخنرانی ها و مقالات همایش بین المللی مبارزه با پولشویی، نشر وفاق، چ ۱
۵. بای، حسینعلی (۱۳۸۵)، افساد فی الارض چیست، مفسد فی الارض کیست؟، حقوق اسلامی، شماره ۹
۶. بجنوردی، محمد حسن (۱۴۱۹ق) القواعد الفقہیہ، ج ۱ و ۲ محققین (مهدی المهریزی- محمد حسین الدرایتی، الطبعه الاولى، قم، نشر الهادی
۷. ترکی هرچنگانی، غلامعباس؛ شامبتاتی، هوشنگ؛ رهامی محسن (۱۳۹۷) بررسی فقهی حقوقی فساد مالی در آئینه سیاست جنایی تقنینی ایران، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۱ شماره ۲۰
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ ششم.
۹. حسینی سیدحسین، اسمعیل زاده لیدا (۱۳۹۵)، جنبه های عوام گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی، رفاه اجتماعی، دوره ۱۴، شماره ۵۴
۱۰. حسینی جعفر؛ نسرین مهرا (۱۳۹۴)، نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناختی، دوره ۲، شماره ۲ و ۳،

۱۱. خانی، علی، شیرینی، عباس (۱۳۹۲)، کاستی های جرم انگاری مفسد اقتصادی در سیاست کیفری ایران، *کارآگاه*، سال ششم، شماره ۲۴
۱۲. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری (۱۴۱۵ ه.ق)، *المکاسب المحرمه و البیع و الخيارات*، قم، انتشارات دارالحکمه، چاپ چهارم
۱۳. زراعت، عباس، (۱۳۹۱)، *حقوق کیفری اقتصادی*، انتشارات جنگل، جاودانه.
۱۴. ساریخانی، عادل، آقا بابا بنی، اسماعیل (۱۳۹۳)، واکاوی مستندات فقهی اعدام تعزیری، *حقوق کیفری*، شماره ۸
۱۵. سلطانی فرد، حسین و همکاران (۱۳۹۷)، آیین دادرسی جرائم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل، *مجله مطالعات حقوقی*، شماره ۲۹.
۱۶. شیرمحمدی، جلال (۱۳۹۵)، آسیب شناسی سیاست جنایی در ایران، *مطالعات علوم سیاسی، حقوق، فقه*، دوره ۲ شماره ۳
۱۷. شیرینی، عباس، خانی، علی (۱۳۹۳)، سیاست کیفری؛ پاسخ نامناسب سیاست کیفری در قبال مفسد اقتصادی، چالشی فراروی پلیس، *مجله دانش انتظامی*، شماره ۶۵.
۱۸. صدر، محمد باقر (۱۳۶۸)، *اقتصاد ما*، جلد ۲ ترجمه عبدالعلی سپهبدی، چاپ انتشارات اسلامی
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، (بی تا) *المیزان فی التفسیر قرآن*، ج ۲، قم؛ موسسه النشر الاسلامی.
۲۰. طجرلو، رضا (۱۳۸۷)، برداشت تئوریک بر دخالت دولت در محدود کردن آزادی قراردادها (با رجوع به سیستم حقوقی انگلیس)، *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۳۸، شماره ۳.
۲۱. عباسی حمید (۱۳۹۵)، سیاست کیفری ایران نسبت به جرائم اقتصادی، *تحقیقات جدید در علوم انسانی*، سال دوم، شماره چهارم
۲۲. غفاری، هدی (۱۳۹۱) نسبت میان حاکمیت شرع و حاکمیت قانون در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه پژوهش حقوق*، سال چهاردهم، شماره ۳۶.
۲۳. قیاسی، جلال الدین (۱۳۹۲)، اصول سهولت و مدارا در سیاست جنایی حکومت اسلامی، *فصلنامه علمی پژوهشی انجمن معارف اسلام ایران*، سال دوم، شماره سوم
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸) *الکافی*، تهران، دارلکتب، چاپ سوم، جلد ۷
۲۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، محدودیت های آزادی قراردادی بر مبنای حمایت از مصرف کننده، *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۳۸، شماره ۳.
۲۶. کوشا جعفر، دهقانی محمدرضا (۱۳۹۶)، سیاست جنایی در جرائم اقتصادی، *دانش حقوق و مالیه*، سال اول، شماره ۲
۲۷. کاشانی محمود (۱۳۹۳)، پیرامون رأی دیوان عالی درباره فسادبانگی برگرفته از سایت شفاف

۲۸. گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۸۳) *آیات الحکام (حقوقی - جزایی)*، تهران، انتشارات میزان. چاپ اول
۲۹. گلی زاده، امین (۱۳۹۶)، بررسی سیاست جنایی کیفری ایران در برخورد با جرایم اقتصادی، دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی، شیراز، مرکز توسعه آموزشهای نوین ایران
۳۰. گلریز، حسن (۱۳۶۸)، *فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی*، چاپ اول، انتشارات مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
۳۱. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۳)، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی* ۱ و ۲، چاپ بیست و دوم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
۳۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰ ق) *المقنعه*، قم، جامعه مدرسین
۳۳. مهدوی پور، اعظم، (۱۳۹۲)، تعقیب و تحقیق جرائم اقتصادی؛ روشها و ویژگی ها. علوم جنایی، *دانش حقوق مالیه*، سال اول شماره ۲
۳۴. مهدوی، محمود؛ ساداتی، سید محمد مهدی؛ حسینی، سید محمد (۱۳۹۶) مبانی جرم‌نگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۴، شماره ۱، ۱۱۲
۳۵. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۷۷)، *حقوق جزای بین‌المللی*، تهران: نشر میزان.
۳۶. میر سعیدی منصور، زمانی محمود (۱۳۹۲)، *جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟ حقوق کیفری*، دوره ۲، شماره ۴
۳۷. مجتهدی، یوسف، (۱۳۹۲)، *نشریه حقوقی پیام آموزش*، شماره ۳۰، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه
۳۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۶)، *تقریرات درس حقوق کیفری اقتصادی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۳۹. نراقی، ملا احمد، (بی تا) *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*، انتشارات آل‌البتت الاحیا التراث، ج ۱۴
۴۰. نمازی، حسین (۱۳۸۲)، *نظام های اقتصادی*، تهران: سهامی انتشار، چاپ اول
۴۱. یوسفی، احمد علی (۱۳۸۵)، *ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلام و ساماندهی آن، اقتصاد اسلامی*، سال ششم، شماره ۲۳
۴۲. ولیدی، محمد صالح، (۱۳۷۴)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲، دفتر نشر داد، چ سوم، زمستان

منابع انگلیسی:

۴۳.

oseRico, "Notes introductives a letude de la Criminalite des affaires", luniversite dc monterreal, ۲۰۱۲

۴۴. Lui, Francis, T (۱۹۸۶), "A Dynamic Model of Corruption Deterrence",

Journal of Public Economics, Vol. ۳۱ Pp. ۱۲۵-۲۳۶.

۴۵. Muthomi, Thiankolu, " *The Anti - Corruption And Economic Crimes Act*", Has Kenya Discharged Her Obligations To Her Peoples And The World ?, LL.B.(Hons.) Nairobi . ۲۰۰۶.
۴۶. Ostrerfeld, David, ۲۰۰۶, *Corruption and development, Journal of Economic Growth*, Vol. ۲ No. ۴, Pp. ۱۳-۲۰.
۴۷. Sjogren, Hans & Goran, Skogh, " *New Perspectives on Economic Crime* ", Edward Elgar Publishing Limited , U.K. ۲۰۰۴ .
۴۸. Wolfsburg, Ostrerfeld, David, (۲۰۰۶), *Corruption and development, Journal of Economic Growth*, Vol. ۲ No. ۴, Pp. ۱۳-۲۰.

قوانین:

۴۹. قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹
۵۰. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
۵۱. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد.
۵۲. طرح ۵۱ ماده‌ای مجلس برای مبارزه با جرائم اقتصادی
۵۳. قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری